



## گازوئیل

روزی بایستی صبح به فرودگاه میرفتم. در عرض مدت کوتاهی موتور ماشین خاموش شد. با تکانهای شدیدی ماشین توقف کرد. کاشف بعمل آمد که در باک این ماشین که دیروز آنرا قرض کرده بودم، گازوئیل ریخته بودم. چون ماشین خودم گازوئیلی است، عادت کرده ام که از گازوئیل برای ماشین استفاده کنم. ماشینی که آنرا قرض کرده بودم، یک ماشین بنزینی بود. خطای بزرگی کرده بودم. همه چیز در ماشین بنزینی به خوبی کار میکرد، فقط سوخت گازوئیل به آن نمیخورد.

## گناه چیست؟

پردیس، باغ عدن، جایی بود که آدم و حوا در آن زندگی میکردند؛ آنها انسانهایی بودند که به شباهت خدا آفریده شده بودند. در آنجا عدالت، صلح و شادی بود. حقیقتاً بهشت بر زمین. آدم و حوا میتوانستند از همه چیز نگهداری کنند. آنها یک دستور واضح داشتند: ”از میوه درخت شناخت نیک و بد نخورید، چون در غیر این صورت خواهید مرد.“

پیدایش ۲: ۱۵-۱۷

پایان این داستان را میدانیم. آدم علیرغم اینکه پیامد کارش را میدانست، آنچه را که خدا ممنوع کرده بود انجام داد. به محض اینکه از میوه درخت نیک و بد خورد اتفاقی افتاد. درست مانند گازوئیل در ماشین بنزینی. این ماشین، مخصوصاً موتور آن، برای این ساخته نشده که با گازوئیل حرکت کند. اینجای کار به خطا میروید! موتور ماشین دیگر کار نمیکند. ظاهر آن کاملاً سالم به نظر میرسد، ولی درون آن یک مشکل دارد. برای انسانها، آدم و حوا، و نسلهای بعد از آنها نیز این اتفاق افتاد. آدم و حوا از نظر روحانی مردند. جسم و جانشان به همان حالت اولیه بود، اما همانطور که خدا گفته بود روحشان مرد. آدم و حوا چیزی را کشف کرده بودند، و آن قدرت گناه بود. تا آن زمان آنها تنها نیکویی را میشناختند، اما حالا معنی بدی را نیز فهمیده بودند.

در واقع اصل گناه این است که شما تصمیم بگیرید که بر ضد خدا عمل کنید. شما آنچه فکر میکنید برایتان خوب است را انتخاب میکنید و نمیخواهید در وابستگی به خدا و آنچه او برای شما در نظر گرفته زندگی کنید. دیگر خدا پادشاه شما نیست، بلکه خود شما هستید که بر تخت سلطنت نشسته اید. همانگونه که در داستان آدم و حوا هم می بینیم، شیطان با کمال میل حاضر است به شما کمک کند که این انتخاب خطا را انجام دهید.

## اولین پیامد گناه

### چه چیزی را بخاطر گناه از دست میدهیم؟

رومیان ۳: ۲۳

اولین چیزی که برای آدم و حوا اتفاق افتاد، این بود که دیدند عریانند. تا پیش از آن، این موضوع هیچ مشکلی نبود. آنها خود را پوشاندند، چون

شرمگین شدند. خودشان را برای خدا مخفی کردند. بواسطه گناه عکس العمل انسانها تغییر کرد. آنها از قضاوت خدا و مجازات ترسیدند.

پیدایش ۳: ۷

چشمهای عقلشان باز و چشمهای دلشان بسته میشود.

**خدا چه کار میکند؟**

پیدایش ۳: ۸، ۹

حتی زمانی که انسان به خطا می‌رود، خدا او را می‌جوید، چون او مشتاق رابطه با انسان است. متأسفانه انسان عوض شده است. آدم و حوا دیگر جرات نمیکنند با خدا روبرو شوند.

متی ۹: ۱۰ - ۱۳

در این داستان می‌بینیم که عیسی هم مانند خدا، بدنبال انسان گناهکار می‌رود. عیسی بدنبال پارسایان نمی‌رود، بلکه بسراغ گناهکاران تا آنها را نجات دهد.

**چرا بایستی انسانها از باغ عدن بیرون می‌آمدند؟**

پیدایش ۳: ۲۲، ۲۳

خدا نمیخواست که بدی که در انسان بود و حیات ابدی با هم در ارتباط بیایند. اگر انسان با شناختی که از بدی دارد برای ابد بماند، بدی و پیامدهای آن نیز برای ابد باقی خواهند ماند.

**بیماری مسری**

اگر کسی بیماری مسری داشته باشد، او را قرنطینه میکنند. به این ترتیب آدم و حوا هم اجازه ندارند که به درخت حیات دست بزنند.

**پیامدهای دیگر گناه**

بخاطر اینکه روح انسان مرده است و دیگر به حیات خدا دسترسی ندارد، انسان بر اساس طبیعتش زندگی میکند. خدا دیگر محور هستی او نیست.

رومیان ۵: ۱۲ - ۱۵

پیامد گناه آدم چیست؟

این آیه درباره تک تک انسانها چه میگوید؟

این پیامد برای انسان عظیم است. بجای ایمان به خدا، ترس از خدا بوجود می‌آید و خود محوری بجای محبت بی شرط و شروط. صلح از بین می‌رود و قتل و جنایت بسرعت جای آنرا میگیرد. عدالت ناپدید میشود، انسان دیگر بخاطر ترس و شرم نمیتواند با خدا روبرو شود. بیماری به زمین می‌آید. الان دیگر زمین لعنت شده و همه چیز به سختی پیش خواهد رفت. زایمان زن با درد همراه خواهد بود. مرد بر زن حکومت خواهد کرد. نفرت و تلخی در بینشان وارد میشود.

سرنجام بعد از مرگ روحانی که جدایی روح انسان از خداست، مرگ جسمانی یعنی جدایی جان و روح از جسم نیز بوجود می‌آید. در نهایت مرگ ابدی، جدایی انسان از خدا برای همیشه.

**تمام پیامدها به ترتیب:**

الف) هویتی که خدا بخشیده است از بین می‌رود.

بخاطر گناه مشخصه‌هایی که خدا در ما گذاشته است به شدت آسیب خواهند دید. دوست داشتن خویشتن بخاطر گناه‌هایی که کرده ایم و بدیهایی که دیگران در حقمان کرده اند خیلی سخت میشود.

پذیرفتن و ارزش دادن به خود نیز بخاطر گناههایی که کرده ایم یا دیگران در حقمان کرده اند بسیاری از وقتها مشکل است. اگر خودتان را دوست نداشته باشید و ارزشی برای خودتان قائل نباشید، سخت است که باور کنید

در زندگی مقصدی دارید .

ب) اقتدار بهم میریزد

چون انسانها دیگر مطیع خدا نیستند، کسی که اقتدار را برای آنها در نظر گرفته و به آنها میبخشد از زندگیشان ناپدید شده است. آنچه که بکارید، همان را درو خواهید کرد. بر روی زمین میبینیم که اقتداری که خداوند منسوب کرده است، کمتر و کمتر پیروی میشود. در حال حاضر از اقتدار برای برقراری سلطه استفاده میشود. شیطان حالا در زندگی افرادی که به او فضا داده اند، اقتدار دارد.

ج) مسئولیت برداشته نشده است

چون انسانها دیگر معنی اقتدار را خوب نمیفهمند و دیگر نمیخواهد از آن استفاده کنند، در جایگاهی که به آنها داده میشود مسئولیتشان را بر نمیدارند. از اقتدار سوء استفاده میشود تا افراد را تحت فشار قرار دهند. حق انتخابی که خدا به انسانها داده است، بواسطه رهبران زورگو محترم شمرده نمیشود. و یا اینکه اصلاً اقتداری وجود ندارد که در نهایت هر کسی هر کاری که دلش میخواهد را انجام میدهد.

د) روابط در داخل خانواده ها و در اجتماع بهم میریزد

چون ”من“ در مرکز قرار گرفته است، هر روزه و در همه جا روابط از هم میپاشد. همه جا بین زن و مرد، اولیا و فرزندان، کارمند و کارفرما، دولتمندان و ملت مشکلات وجود دارد

ح) رابطه به خدا دشوار شده است

بواسطه شرم، ترس و هویت بدی که در انسان وارد شده است، تجربه محبت خدا، شنیدن صدای او و درک اراده اش دشوار شده است.

## تکلیف

پنج نکته نام برده را نگاه کنید و ببینید که آیا در زندگی شما نکته آشنایی دیده میشود. کجا تصویری که خدا از ازل برای شما در نظر گرفته بود، بواسطه گناه خودتان و یا گناهان دیگری از زندگیتان محو شده است؟  
8→8 با مربی تان درباره این پنج نکته صحبت کنید و اشاره کنید در کدام منطقه ها که در این درس نام برده شده نیاز به بهبودی دارید. با هم دعا کنید که خدا در هفته های جاری بواسطه روحش بهبودی در شما بوجود آورد تا شما بوسیله آن بتوانید انتخابهای درستی را بکنید.